

پژوهشی

بررسی همبستگی میان روایات خاص زندگی و هوش هیجانی با بهزیستی روان‌شناختی، انطباق‌پذیری شغلی و مولد بودن بزرگسالان ایرانی^۱

احسان زرگر خرازی اصفهانی^۱، محمدرضا عابدی^{۲*}، فهیمه نامدارپور^۳

۱. دانشجوی دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران

۲. *نویسنده مسئول: استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، استاد مدعو گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد

اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران، m.r.abedi@edu.ui.ac.ir

۳. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

چکیده

زمینه و هدف: خود رستگاری نوعی از روایات زندگی است که در آن صحنه‌های بد با نتایج خوب و یا هیجانات مثبت بازیابی می‌شوند. هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌هایی است که فرد برای سازگاری مؤثر با محیط و به دست آوردن موفقیت در زندگی کسب می‌کند. هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین خود رستگاری و هوش هیجانی با متغیرهای بهزیستی روان‌شناختی، انطباق‌پذیری شغلی و مولد بودن و نقش خود رستگاری و هوش هیجانی در پیش‌بینی متغیرهای مذکور است.

روش: در این مطالعه توصیفی، ۵۷ بزرگسال ایرانی در دامنه سنی ۲۲-۶۵ سال به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و از آنها خواسته شد پرسشنامه داستان زندگی، آزمون مولد بودن لویالا، مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف، پرسشنامه انطباق‌پذیری شغلی و پرسشنامه هوش هیجانی را تکمیل کنند. پاسخ‌های افراد به سؤالات پرسشنامه‌ها با روش همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تحلیل شدند.

یافته‌ها: خود رستگاری و هوش هیجانی با انطباق‌پذیری شغلی، بهزیستی روان‌شناختی و مولد بودن رابطه مثبت معنادار دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام بیانگر این بود که خرسندی (از زیر مؤلفه‌های هوش هیجانی) و خود رستگاری پیش‌بینی‌کننده انطباق‌پذیری شغلی و بهزیستی روان‌شناختی هستند و مولد بودن تنها توسط خود رستگاری پیش‌بینی می‌شود.

نتیجه‌گیری: رابطه بین خود رستگاری و هوش هیجانی با هرکدام از ویژگی‌های روان‌شناختی بیان شده، مثبت و معنادار است. خود رستگاری و خرسندی به‌طور معناداری می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی و انطباق‌پذیری شغلی را پیش‌بینی کند و پیش‌بینی‌کننده مولد بودن، تنها خود رستگاری است.

کلیدواژه‌ها: رضایت شغلی، سلامت روان، کارآمدی، هوش هیجانی

مقدمه

آدامز (۲) نظریه داستان زندگی را با بهره‌گیری از کار تامکینز معرفی کرد. مطابق این مدل، داستان‌های زندگی، گذشته فرد را بازسازی و آینده تصور شده وی را یکپارچه می‌کند و به صورت یک واحد هدفدار در می‌آورد (۳). مک آدامز مطالعات بسیاری در باب هویت روایی انجام داده و به بررسی ارتباط روایت‌های فردی و کلان در تعامل با یکدیگر بیرون از بافت گفتمان پرداخته است. مک آدامز کلان روایت رستگاری آمریکایی را

امروزه نظریه روایت با توسعه ابزارها و مفاهیم نو، مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان و محققان علوم اجتماعی قرار گرفته است. طرح روایت به منزله نظریه‌ای منسجم در تحلیل شخصیت به اواخر دهه ۷۰ باز می‌گردد. تامکینز (۱) با طرح نظریه پیش‌نویس، آدمی را به منزله قصه‌گویی معرفی می‌کند که همانگونه که قصه‌ای را نقل می‌نماید، زندگی می‌کند. مک

۱. این مقاله از نوع پژوهشی و برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده اول است.

استاد راهنما: محمدرضا عابدی

به عنوان «نجات و رهایی از اذیت و آزار به دنیایی بهتر» تعریف می‌کند (۴). مک آدامز یک راهبردی خاص از روایت، با نام خود رستگاری (redemptive self) را تعریف کرد. در این نوع از روایت یک رویداد آشکارا بد و یا با حالات هیجانی منفی به پایان و رویدادی خوب یا نتیجه هیجانی مثبت بدل می‌شود. تحقیقات مک آدامز همانگونه که خود صراحتاً به آن اشاره می‌کند در ارتباط با بزرگسالان آمریکایی بوده است.

از طرف دیگر هوش هیجانی (emotional intelligence) متغیری است که دارای رابطه با بسیاری از ویژگی‌های روان‌شناختی است و مطالعات گسترده‌ای در این ارتباط انجام پذیرفته است. همچنین نکته مهم دیگر اینکه هوش هیجانی قابل آموزش به کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان می‌باشد (۵، ۶).

هوش هیجانی نوعی پردازش اطلاعات عاطفی است که شامل ارزیابی صحیح عواطف در خود و دیگران، ابراز مناسب عواطف و تنظیم سازگاران عواطف است (۷). بار-آن معتقد است که هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌هایی است که فرد برای سازگاری مؤثر با محیط و به دست آوردن موفقیت در زندگی کسب می‌کند. صفت هیجان در این نوع هوش یک رکن اساسی است که آن را از هوش شناختی متمایز می‌کند. از نظر وی هوش هیجانی و مهارت‌های رقابتی هیجانی طی زمان رشد و تغییر می‌کند و می‌توان از طریق آموزش و برنامه‌های اصلاحی آن‌ها را بهبود بخشید (۸).

در دهه‌ها و سال‌های اخیر پژوهشگران تحقیقات متعددی را در مورد رابطه بین خود رستگاری و هوش هیجانی با بهزیستی روان‌شناختی انجام داده‌اند. بهزیستی روان‌شناختی اشاره به رشد همه جانبه افراد در تمام سطوح زندگی دارد. شکوفا ساختن استعدادها و توانایی‌های بالقوه فرد امری ضروری و مهم به شمار می‌رود. ریف (۹) معتقد بود در تحقیقات گذشته، نسبت به جنبه‌های مثبت کارکرد روانی غفلت شده و تنها به جنبه‌های منفی آن پرداخته شده است جنبه‌ای که با سلامت روان شناخته می‌شود که معنای آن نبود بیماری و اختلالات روانی است. بنابراین لازم است که در ادبیاتی تازه جنبه‌های مثبت بیشتر مدنظر واقع شود و به دنبال آن مفهوم بهزیستی روان‌شناختی را در حیطه روان‌شناسی مثبت‌گرا مطرح کرد.

تحقیقات آدلر و دیگران (۱۰)، آدلر و پولین (۱۱) و مک آدامز و دیگران (۱۲) نشان داد که خود رستگاری به‌طور مثبت و معنادار با بهزیستی روان‌شناختی رابطه داشته و همچنین به صورت معنادار آن را پیش‌بینی می‌کند. همچنین تحقیقات اکرم، منیر و گیلانی (۱۳)، احمدی و دیگران (۱۴)، گالاگر و ولاورد ریچ (۱۴)، آوسچ، ماسنچ و کومیدار (۱۵) نشان دادند که رابطه بین هوش هیجانی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه‌ای مثبت و معنادار است. مولد بودن، دغدغه و تعهد بزرگسالان به ارتقای نسل بعدی از طریق

والدگری، آموزش، مربیگری، و تولید محصولات می‌باشد و هدف از آن سودمندی نسل آینده و تقویت رشد و رفاه آن افراد و نظام‌های اجتماعی است که بیشتر از شخص زندگی می‌کنند. اریکسون (Erikson) این مفهوم را در مدل ۸ مرحله‌ای توسعه انسانی خود به عنوان مرحله هفتم چرخه زندگی، معرفی کرد (۴).

تحقیقات بسیاری در ارتباط با رابطه بین خود رستگاری و مولد بودن توسط مک آدامز و دیگران صورت پذیرفته است که می‌توان در بین آنها به تحقیقات مک آدامز (۲، ۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸)، مک آدامز و دیگران (۱۲) و مک آدامز و آوبین (۱۹) اشاره کرد. همه تحقیقات انجام شده به این نتیجه منتهی شد که بزرگسالانی که روایت‌های زندگی خود را به صورت روایت رستگاری بیان می‌کنند در مقایسه با سایرینی که روایات خود را بر این اساس بیان نمی‌کنند مولدترند. همچنین آپارسی و دیگران (۲۰) در ارتباط با رابطه بین هوش هیجانی، مولد بودن و خود کارآمدی به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی به عنوان یک متغیر پیش‌بینی‌کننده ابعاد مختلف مولد بودن و خود کارآمدی است.

انطباق‌پذیری شغلی (career adaptability) که از مؤلفه‌های محوری در نظریه طراحی مسیر شغلی ساویکاس (Savickas) است، بیشترین تحقیقات را به خود اختصاص داده است و به معنای آن است که فرد در مسیر شغلی خود، نگرش‌ها، صلاحیت‌ها و رفتارهایش را دستکاری می‌کند تا به‌طور بهینه خودش را با زمینه‌های کاری مناسب، هماهنگ سازد (۲۱). انطباق‌پذیری، ساختاری روانی اجتماعی دارد که منابعی را برای فرد فراهم می‌کند تا بتواند با وظایف، تغییرات و شوک‌های پیش‌بینی شده در نقش‌های مختلف از جمله نقش‌های شغلی کنار بیاید (۲۲). در نظریه سازه‌گرایی مسیر شغلی، انطباق‌پذیری دارای چهار بعد است که عبارتند از: دغدغه (concern)، کنترل (control)، کنجکاوی (curiosity) و اعتماد (confidence) (۲۳، ۲۴).

در مورد رابطه بین خود رستگاری و انطباق‌پذیری مسیر شغلی تاکنون تحقیقی انجام پذیرفته است؛ اما در ارتباط با رابطه بین هوش هیجانی و انطباق‌پذیری شغلی نتایج به دست آمده نشانگر این است که هوش هیجانی متغیری پیش‌بینی‌کننده برای انطباق‌پذیری شغلی می‌باشد (۲۵) و رابطه مثبت و معنی‌داری بین هوش هیجانی با تمام ابعاد انطباق‌پذیری شغلی دارد (۲۶).

با توجه به موارد فوق، هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین خود رستگاری و هوش هیجانی با متغیرهای بهزیستی روان‌شناختی، انطباق‌پذیری شغلی و مولد بودن و نقش خود رستگاری و هوش هیجانی در پیش‌بینی متغیرهای مذکور است. شناسایی این موارد می‌تواند به طراحی مداخلاتی منجر شود که در نهایت باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی، مولد بودن و انطباق‌پذیری شغلی افراد شود.

روش

جامعه آماری این پژوهش تمامی افراد ۲۲ تا ۶۵ سال دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر هستند. در فراخوانی که در فضای مجازی ارایه شد همه شرایط شرکت در پژوهش شامل تکمیل پرسشنامه داستان زندگی و سایر آزمون‌ها گفته شد. با توجه به طولانی بودن روند، از بین داوطلبان شرکت در پژوهش ۵۷ نفر از افراد بین ۲۲ تا ۶۵ سال بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از برگزاری جلسه توجیهی آنلاین برای افراد داوطلب برای شرکت در پژوهش برای توضیح موضوع پژوهش، از افراد شرکت‌کننده خواسته شد تا فرم رضایت نامه کتبی برای شرکت در پژوهش را تکمیل کنند. میانگین سنی کل شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۶/۰۹ با انحراف استاندارد ۹/۳۷ و تحصیلات آنها کارشناسی و کارشناسی ارشد بود. از تعداد کل نفرات ۲۰ نفر مرد (۳۵ درصد) و ۳۷ نفر زن (۶۵ درصد) بوده‌اند.

به منظور انجام هدف این پژوهش و برای گردآوری داده‌ها در این مطالعه پژوهشی از روش تحقیق توصیفی استفاده شد. افراد ابتدا هشت صحنه از داستان‌های زندگی خود را در یک پرسشنامه با سؤالات باز پایان می‌نویسند که سپس توسط کدگذاران کدگذاری می‌شود. همچنین در رابطه با سایر آزمون‌ها شرکت‌کنندگان براساس دستورالعمل هر آزمون اقدام به پاسخ‌دهی کردند.

ابزار سنجش

پرسشنامه داستان زندگی مک آدامز

برای سنجش خود رستگاری از پرسشنامه داستان زندگی مک آدامز استفاده شد. شرکت‌کنندگان لازم بود ۸ صحنه‌ای را که در زندگی خود تجربه کرده‌اند به تفصیل نوشته و به سؤالات پرسیده شده پس از هر صحنه روایت شده پاسخ دهند. این صحنه‌ها عبارتند از: (۱) تجربه اوج، (۲) تجربه حسیض (پایین)، (۳) تجربه عطف، (۴) یک صحنه مهم مثبت کودکی، (۵) یک صحنه مهم منفی کودکی، (۶) یک صحنه مهم از بزرگسالی، (۷) یک صحنه خردمندانه، (۸) یک تجربه مهم مذهبی، معنوی و یا عرفانی. پس از تکمیل تمامی پرسشنامه‌ها، نوشتارها توسط دو کدگذار دوسو کور براساس دستورالعمل مک آدامز کدگذاری شد و پایایی نمره‌گذاری ۶۷ درصد به دست آمد که از لحاظ آماری قابل قبول است (۲۷).

اگرچه داده‌های روایی، داده‌هایی از نوع کیفی هستند، تحلیل آنها به شیوه کمی (کدگذاری) و انجام پذیرفت.

مقیاس مولد بودن لویالا

LGS-Loyola generative scale

برای بررسی میزان مولد بودن فرد از مقیاس مولد بودن لویالا، که یک مقیاس ۲۰ سؤالی خودسنجی است، استفاده شده است. سؤال‌ها به شیوه لیکرت در دامنه صفر (هرگز) تا سه (اغلب اوقات) نمره‌گذاری می‌شوند و نمره کل این پرسشنامه شاخص مولد بودن افراد است. همچنین در این پژوهش، تحلیل عامل تأییدی برازش خوبی برای این پرسشنامه نشان داد و پایایی آن نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمد.

مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف

(Ryff Well-Being Scale)

در این پژوهش به منظور بررسی بهزیستی روان‌شناختی افراد از مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف، که در پژوهش‌های انجام شده در کشور بیشتر به کار گرفته شده و روایی و پایایی آن نیز سنجیده شده، استفاده شده است. از نظر ریف بهزیستی روان‌شناختی، شامل شش مؤلفه مجزا است که عبارتند از: ۱- پذیرش خود، ۲- ارتباط مثبت با دیگران، ۳- خودمختاری، ۴- تسلط بر محیط، ۵- هدفمند بودن، ۶- رشد فردی. در مطالعه حاضر از فرم ۱۸ آیتمی به منظور ایجاز استفاده شده است که آلفای کرونباخ ۰/۷۱ برای نمره کل بهزیستی روان‌شناختی به دست آمده و برای هریک از شش مؤلفه فوق به ترتیب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۵۱، ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۷۶، ۰/۵۲ و ۰/۷۳ به دست آمده است. از نتایج به دست آمده به این نتیجه می‌رسیم که فرم ۱۸ سؤالی بهزیستی روان‌شناختی ابزار مناسبی برای سنجش است (۲۸).

پرسشنامه انطباق‌پذیری شغلی

(Career Adaptabilities Scale)

پرسشنامه انطباق‌پذیری مسیر شغلی در سال ۲۰۱۲ با همکاری ۱۳ کشور دنیا به سرپرستی مارک ساویکاس ساخته شد. در ایران نیز اعتبار این پرسشنامه سنجیده شده که همسانی درونی آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد (۲۹). این پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال است که چهار بعد انطباق‌پذیری مسیر شغلی را که عبارتند از: دغدغه، کنترل، کنجکاوی، و اعتماد اندازه‌گیری می‌کند (۲۹).

پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن

(Bar-On EQ-i Questionnaire)

برای سنجش هوش هیجانی از پرسشنامه بار-آن استفاده شده است این پرسشنامه ۹۰ آیتمی هوش هیجانی را در ۵ مؤلفه که

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
خودرستگاری	۲/۳۶	۱/۸۰
نمره کل هوش هیجانی	۳۱۴/۶۶	۶۲/۶۹
خودآگاهی هیجانی	۲۱/۹۰	۴/۷۶
جرأت مندی	۱۸/۱۲	۳/۶۴
عزت نفس	۲۲	۵/۳۱
خودشکوفایی	۱۸/۴۸	۶/۹۵
خود مختاری	۲۰/۶۴	۴/۳۷
همدلی	۲۳/۸۰	۴/۸۳
روابط بین فردی	۲۰	۴
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۲۳/۹۵	۴/۷۴
حل مسئله	۲۲/۲۵	۴/۷۵
واقعیت‌سنجی	۲۰/۹۳	۴/۱۷
انعطاف‌پذیری	۱۹/۲۵	۴/۳۸
تحمل استرس	۱۷/۶۴	۴/۴۹
کنترل تکانه	۲۱/۷۴	۵/۵۶
خرسندی	۲۱/۵۴	۵/۷۷
خوش‌بینی	۲۳/۶۴	۵/۳۷
نمره کل بهزیستی روان‌شناختی	۸۰/۵۱	۱۱/۲۳
نمره کل انطباق‌پذیری شغلی	۸۶/۳۴	۱۰/۹۶
مولد بودن	۳۵/۹۲	۷/۹۷

بحث

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین روایاتی خاص از زندگی بزرگسالان ایرانی با عنوان خود رستگاری و هوش هیجانی، با برخی از ویژگی‌های روان‌شناختی شامل بهزیستی روان‌شناختی، انطباق‌پذیری شغلی و مولد بودن بود. نتایج به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که هم خود رستگاری و هم هوش هیجانی رابطه مثبت و معناداری با سه متغیر بهزیستی روان‌شناختی، مولد بودن و انطباق‌پذیری شغلی دارند.

در ارتباط با رابطه خود رستگاری و بهزیستی روان‌شناختی یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبل، همسو بود. سلامت روان به صورت مثبت و معنی دار با مضامین رستگاری ارتباط دارد (۱۰) همچنین بهزیستی روان‌شناختی به صورت مثبت و معنادار با روایات رستگاری در ارتباط است (۱۱، ۱۲). همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در مورد رابطه هوش هیجانی و بهزیستی روان‌شناختی با یافته‌های به‌دست آمده از مطالعات صورت پذیرفته توسط اکرم، منیر و گیلانی (۱۳)، احمدی و دیگران (۶)، همسو می‌باشد. اکرم، منیر و گیلانی (۱۳) در مطالعه‌ای رابطه بین هوش هیجانی و بهزیستی روان‌شناختی معلمان دبیرستانی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی و بهزیستی روان‌شناختی با یکدیگر همبستگی قوی دارند. احمدی و دیگران (۶) در پژوهشی رابطه بین هوش هیجانی و سلامت روانی، کارکنان ۷۰ شعبه بانک

شامل ۱۵ زیر مؤلفه می‌باشد، می‌سنجد. مدلی که بار- آن ارائه می‌دهد شامل مواردی به شرح ذیل می‌باشد: ۱- مهارت‌های درون فردی شامل: خودآگاهی هیجانی، جرأت‌مندی، عزت نفس، خودشکوفایی و استقلال، ۲- مهارت‌های بین فردی شامل: همدلی، روابط بین فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ۳- مهارت‌های انطباق‌پذیری (سازگاری) شامل: حل مسئله، واقعیت‌سنجی، انعطاف‌پذیری، ۴- مهارت‌های کنترل استرس شامل: تحمل استرس و کنترل تکانه، ۵- مهارت‌های وضعیت عمومی (General Mood) شامل: خرسندی و خوش‌بینی. در تحقیقی که انجام شده است، اعتبار این پرسشنامه سنجیده شده که میزان آلفای کرونباخ هوش هیجانی کل ۰/۹۳ جهت همسانی درونی گزارش شد (۳۰).

پس از جمع‌آوری داده‌ها برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش، داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام در نرم‌افزار SPSS۲۵ تحلیل شدند.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. براساس جدول ۱، میانگین متغیر خود رستگاری ۲/۳۶ و نمره کل هوش هیجانی ۳۱۴/۶۶ است. همچنین میانگین نمره کل بهزیستی روان‌شناختی ۸۰/۵۱، انعطاف‌پذیری شغلی ۸۶/۳۴ و مولد بودن ۳۵/۹۲ به دست آمده است.

جدول ۲، مقدار همبستگی بین تجربه خود رستگاری هوش هیجانی را با بهزیستی روان‌شناختی و انعطاف‌پذیری شغلی و مولد بودن نشان می‌دهد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد بین خود رستگاری و نمره کل هوش هیجانی با انعطاف‌پذیری شغلی، بهزیستی روان‌شناختی و مولد بودن، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان دهنده همبستگی مثبت معنی دار بین همه زیرمقیاس‌های هوش هیجانی و انعطاف‌پذیری شغلی و برخی از آنها با بهزیستی روان‌شناختی و مولد بودن است ($P < 0/05$).

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام را برای تعیین نقش هوش هیجانی و زیر مقیاس‌های آن و خود رستگاری در پیش‌بینی‌کنندگی انعطاف‌پذیری شغلی، بهزیستی روان‌شناختی و مولد بودن نشان می‌دهد. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان می‌دهد؛ خود رستگاری ($\beta = 0/30$) و خرسندی ($\beta = 0/57$) پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روان‌شناختی هستند. این مقادیر برای انعطاف‌پذیری شغلی به ترتیب ۰/۳۷ و ۰/۵۸ است. همچنین نتایج جدول بیانگر این است که خود رستگاری تنها متغیر پیش‌بینی‌کننده مولد بودن است ($\beta = 0/67$).

جدول ۲- مقدار همبستگی بین تجربه خود رستگاری هوش هیجانی را با بهزیستی روان‌شناختی و انعطاف‌پذیری شغلی و مولد بودن

متغیر	نمره کل بهزیستی روان‌شناختی	نمره کل انطباق‌پذیری شغلی	مولد بودن
خودرستگاری	۰/۴۱ [*]	۰/۳۵ [*]	۰/۷۱ ^{**}
نمره کل هوش هیجانی	۰/۵۳ ^{**}	۰/۶۸ ^{**}	۰/۳۸ [*]
خودآگاهی هیجانی	۰/۴۱ [*]	۰/۶۳ ^{**}	۰/۲۸
جرأت‌مندی	۰/۵۲ ^{**}	۰/۵۸ ^{**}	۰/۲۹
عزت نفس	۰/۶۰ ^{**}	۰/۶۸ ^{**}	۰/۴۱ [*]
خودشکوفایی	۰/۳۵	۰/۴۱ [*]	۰/۳۳
خودمختاری	۰/۴۹ ^{**}	۰/۵۳ ^{**}	۰/۴۰ [*]
همدلی	۰/۳۶	۰/۵۴ ^{**}	۰/۲۸
روابط بین فردی	۰/۳۳	۰/۴۴ [*]	۰/۱۱
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۱۶	۰/۴۵ [*]	۰/۲۹
حل مسئله	۰/۴۵ [*]	۰/۶۶ ^{**}	۰/۳۷ [*]
واقعیت‌سنجی	۰/۵۷ ^{**}	۰/۶۸ ^{**}	۰/۴۶ ^{**}
انعطاف‌پذیری	۰/۴۲ [*]	۰/۶۲ ^{**}	۰/۳۶ [*]
تحمل استرس	۰/۴۹ ^{**}	۰/۵۴ ^{**}	۰/۲۶
کنترل تکانه	۰/۶۳ ^{**}	۰/۶۰ ^{**}	۰/۳۹ [*]
خرسندی	۰/۷۰ ^{**}	۰/۷۲ ^{**}	۰/۳۹ [*]
خوش‌بینی	۰/۴۴ [*]	۰/۶۱ ^{**}	۰/۲۴

جدول ۳- خلاصه نتایج رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی، انعطاف‌پذیری شغلی و مولد بودن از طریق خود رستگاری و هوش هیجانی

شاخص				
P	t	β	SEB	B
گام اول ($R^2 = 0/49$)				
خرسندی	۱/۲۷	۰/۲۵	۰/۷۰	۵/۰۰
گام دوم ($R^2 = 0/56$)				
خرسندی	۱/۰۵	۰/۲۶	۰/۵۷	۴/۰۱
خود رستگاری	۱/۷۶	۰/۸۳	۰/۳۰	۲/۱۱
گام اول ($R^2 = 0/52$)				
خرسندی	۱/۳۳	۰/۲۵	۰/۷۲	۵/۲۴
گام دوم ($R^2 = 0/64$)				
خرسندی	۱/۰۷	۰/۲۴	۰/۵۸	۴/۴۸
خود رستگاری	۲/۱۴	۰/۷۳	۰/۳۷	۲/۸۹
گام اول				
خود رستگاری ($R^2 = 0/44$)	۳/۳۴	۰/۷۰	۰/۶۷	۴/۷۷

یافته‌هایی که از رابطه خود رستگاری با مولد بودن در این تحقیق به‌دست آمده با یافته‌های به‌دست آمده از تحقیقات صورت پذیرفته توسط مک‌آدامز (۲، ۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸)، مک‌آدامز و

مهر اقتصاد در تهران را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که هوش هیجانی تأثیر مثبت معناداری بر بهزیستی روان‌شناختی کارکنان داشت.

دیگران (۱۲) و مک آدامز و آوبین (۱۹) همسو است و همه در این راستا هستند که بزرگسالانی که روایت‌های زندگی خود را به صورت روایت رستگاری بیان می‌کنند در مقایسه با سایرینی که روایات خود را بر این اساس بیان نمی‌کنند مولدترند. بزرگسالان مولدتر در مقایسه با بزرگسالانی که کمتر مولدند، افسردگی پایینی دارند؛ رضایت بیشتری از زندگی دارند و همدلی و همبستگی بیشتری را در زندگی نشان می‌دهند. با وجود اینکه مراجع در ارتباط با رابطه بین مولد بودن و هوش هیجانی بسیار کم یافت شد و تنها یک مرجع (۲۰) در این ارتباط موجود بود، نتایج هر دو پژوهش همسو می‌باشند.

در نهایت یافته‌های حاصل از این پژوهش در مورد رابطه بین هوش هیجانی و انطباق‌پذیری شغل با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کوتزی و هری (۲۵) و اکبرزاده، عابدی و باغبان (۲۶) همسو می‌باشند که هر دو نشان دادند که هوش هیجانی رابطه مثبت و معنا داری با انطباق‌پذیری شغلی دارد.

نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که خود رستگاری به عنوان یک متغیر پیش‌بینی کننده هر سه متغیر مولد بودن، بهزیستی روان‌شناختی و انطباق‌پذیری شغلی است و متغیر هوش هیجانی پیش‌بینی کننده هیچ کدام از متغیرهای فوق نمی‌باشد. در ارتباط با بهزیستی روان‌شناختی و اینکه خود رستگاری پیش‌بینی کننده آن است، نتایج به دست آمده همسو با نتایج به دست آمده از تحقیقات ذکر شده می‌باشد. به عبارت دیگر کسانی که روایات زندگی خود را در تم رستگاری بیان می‌نمایند افراد مولدتری هستند و از بهزیستی روان‌شناختی بهتری نیز برخوردارند. مولد بودن و بهزیستی دو مورد کلیدی‌اند که انطباق‌پذیری روانی را در سال‌های میان‌سالی می‌سازند (۴، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸).

هوش هیجانی پیش‌بینی کننده هیچکدام از ویژگی‌های روان‌شناختی مورد پژوهش نبود. در ارتباط با بهزیستی روان‌شناختی نتایج به دست آمده همسو با نتایج به دست آمده از پژوهش آوسچ، ماسنچ و کومیدار (۱۵) می‌باشد. آنها طی تحقیقی بر روی معلمان ابتدائی و متوسطه، صفات شخصیتی و هوش هیجانی را به عنوان پیش‌بینی کننده‌های بهزیستی روان‌شناختی بررسی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی کننده اصلی در بهزیستی روان‌شناختی بودند در صورتی که هوش هیجانی نقش کمتری دارد. از طرفی گالاگر و ولابرودریچ (۱۴) به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی نمی‌تواند به تنهایی پیش‌بینی کننده بهزیستی روان‌شناختی باشد؛ بلکه مطالعه آنها روشن کرد متغیرهای

حمایت اجتماعی و هوش هیجانی و تعامل آنها پیش‌بینی کننده بهزیستی روان‌شناختی هستند که این نیز تا حدی همسو با نتایج به دست آمده از این پژوهش است.

اگرچه هوش هیجانی پیش‌بینی کننده هیچکدام از سه متغیر وابسته مورد مطالعه نبود ولی نتایج به دست آمده نشان داد که یکی از زیر مجموعه‌های آن پیش‌بینی کننده دو متغیر از متغیرهای مذکور بودند. خرسندی (HA) از زیر مجموعه‌های وضعیت عمومی پیش‌بینی کننده دو متغیر بهزیستی روان‌شناختی و انطباق‌پذیری شغلی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که اگر افراد (بخصوص کودکان) به نحوی آموزش داده شوند تا نکات مثبت را در رویدادهای منفی زندگی ببینند و از این گونه رویدادها نتایج مثبتی اخذ کنند؛ بعبارت دیگر بتوانند روایات زندگی خود را به صورت رستگاری بیان کنند بنابراین با افرادی روبرو خواهیم بود که مولدترند، در مسیر شغلی خود انطباق‌پذیرترند و از بهزیستی روان‌شناختی بالاتری نیز برخوردارند. همچنین ترویج شادمانی در خانواده، جامعه و محیط‌های مختلف از جمله محیط‌های شغلی می‌تواند باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی افراد شده و موجب انطباق‌پذیری شغلی بالاتر در آنها شود.

در باب محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که به علت همه‌گیری به جای مصاحبه از پرسشنامه (باز پایان) استفاده شد که زمان زیادی برای پاسخ به سؤالات را می‌طلبد، این موضوع باعث خلاصه‌گویی در افراد شرکت کننده در پژوهش تا حدی شد که البته در مطالعات دیگر نیز قبلاً از پرسشنامه استفاده شده است (۱۲). از دیگر محدودیت‌ها حجم زیاد پرسشنامه و آزمون‌هایی بود که یک فرد باید تکمیل می‌کرد که باعث شد تعداد داوطلبان و بالطبع اندازه نمونه کم باشد. جدید بودن برخی از فرضیه‌ها نیز از دیگر محدودیت‌هایی بود که باعث شد با کمبود منابع در بعضی حیطه‌ها روبرو باشیم. در نهایت با توجه به اینکه جامعه پژوهش افراد ۲۲ تا ۶۵ سال دارای تحصیلات دانشگاهی بودند نتایج حاصل از تحقیق تعمیم پذیر نمی‌باشند.

تشکر و قدردانی

برخود لازم می‌دانم که از زحمات کدگذاران محترمی که در این تحقیق یاری‌رسان من بوده‌اند کمال قدردانی و سپاسگزاری خود را بجا آورم.

Original

Investigating the Correlation Between Specific Narratives of Life and Emotional Intelligence with Psychological Well-Being, Career Adaptability and Generativity of Iranian Adults

Ehsan Zargar Kharazi Isfahani¹, Mohammad Reza Abedi^{2*}, Fahimeh Namdarpour³

1. PhD Student in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran.
2. ***Corresponding Author:** Professor of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran, Invited Professor of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran. m.r.abedi@edu.ui.ac.ir
3. Assistant Professor of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran.

Abstract

Background: The concept of redemptive self is a part of life narrative in which good results or positive emotions are recovered from bad scenes. Emotional intelligence is a set of abilities, capabilities and skills that a person acquires in order to adapt to the environment effectively and achieve success in life. The purpose of this study was to investigate the relationship between self-redemption and emotional intelligence through psychological well-being, career adaptability and generativity variables, and to indicate the role of self-redemption and emotional intelligence in predicting these variables.

Methods: In this study, 57 Iranian adults between the ages of 22 and 65 were selected through an available sampling method and were asked to complete a Life Story Questionnaire, Loyola Generative Scale (LGS), Ryff's Psychological Well Being Scale, Career Adaptability Questionnaire (CAAS) and the Emotional Intelligence Questionnaire. Following completion of all questionnaires and tests, obtained data were analyzed by Pearson correlation and stepwise regression.

Results: Redemptive self and emotional intelligence have a significant positive relationship with career adaptability, psychological well-being and generativity. Moreover, the results of stepwise regression analysis showed that happiness (one of the components of emotional intelligence) and redemptive self are predictors of career adaptation and psychological well-being, while generativity is only predicted by redemptive self.

Conclusion: The relationship between redemptive self and emotional intelligence with each of the mentioned psychological characteristics is a positive and significant relationship. However, only redemptive self and happiness can significantly predict psychological well-being and career adaptability, while the only predictor of being productive is redemptive self.

Keywords: Emotional Intelligence, Job Satisfaction, Mental Health, Self Efficacy

منابع

1. Tomkins SS. Script theory. In: Howe HE, Dienstbier RA, editors. Nebraska symposium on motivation. Lincoln, NE: University of Nebraska Press; 1979. p. 201-236.
2. McAdams DP. Power, intimacy, and the life story: Personological inquiries into identity. Homewood, IL: Dorsey Press; 1985.
3. McAdams DP, McLean KC. Narrative identity. *Curr Dir Psychol Sci* 2013; 22(3): 233-238.
4. McAdams DP. The redemptive self: Stories Americans live by. New York: Oxford University Press; 2006.
5. Massari L. Teaching Emotional Intelligence. *Leadership* 2011; 40(5): 8-12.
6. Ahmadi AA, Azar HK, Sarchoghaei MN, Nagahi M. Relationship between emotional intelligence and psychological wellbeing. *International Journal of Research in Organizational Behavior and Human Resource Management* 2014; 2(1), 123-144.
7. Salovey P, Mayer JD. Emotional intelligence. *Imagin Cogn Pers* 1990; 9(3): 185-211.
8. Bar-On R. The development of a concept of psychological well-being. doctoral dissertation, South Africa: Rhodes University; 1988.
9. Ryff CD. Happiness is everything, or is it? Exploration on the meaning of psychological wellbeing. *J Pers Soc Psychol* 1989; 57(6): 1069-1081.
10. Adler JM, Turner AF, Brookshier KM, Monahan C, Walder-Biesanz I, Harmeling LH, et al. Variation in narrative identity is associated with trajectories of mental health over several years. *J Pers Soc Psychol* 2015; 108(3): 476.
11. Adler JM, Poulin MJ. The political is personal: Narrating 9/11 and psychological well-being. *J Pers* 2009; 77(4): 903-932.
12. McAdams DP, Reynolds J, Lewis M, Patten A, Bowman PJ. When bad things turn good and good things turn bad: Sequences of redemption and contamination in life narrative, and their relation to psychosocial adaptation in midlife adults and in students. *Pers Soc Psychol Bull* 2001; 27(4): 474-485.
13. Akram M, Munir F, Gilani M. Relationship between Emotional

- Intelligence and Psychological Well-Being of Secondary School Teachers. *Global Educational Studies Review* 2020; 5(4): 108-121.
14. Gallagher EN, Vella-Brodrick DA. Social support and emotional intelligence as predictors of subjective well-being. *Pers Individ Dif* 2008; 44(7): 1551-1561.
15. Avsec A, Masnec P, Komidar L. Personality traits and emotional intelligence as predictors of teachers' psychological well-being. *Horizons of Psychology* 2009; 18(3): 73-86.
16. McAdams DP. Personal narratives and the life story. In: John OP, Robins RR, Pervin LA, editors. *Handbook of personality: Theory and research*. 3rd ed. New York: Guilford Press; 2008. p. 241-261.
17. McAdams DP. Exploring psychological themes through life narrative accounts. In: Holstein JA, Gubrium JF, editors. *Varieties of Narrative Analysis*. London: Sage; 2012. p. 15-32.
18. McAdams DP. *The redemptive self: Stories Americans live by*. New York: Oxford University Press; 2013.
19. McAdams DP, Aubin E. A theory of generativity and its assessment through self-report, behavioral acts, and narrative themes in autobiography. *J Pers Soc Psychol* 1992; 62(6): 1003-1015.
20. Aparisi D, Granados L, Sanmartín R, Martínez-Monteagudo MC, García-Fernández JM. Relationship between emotional intelligence, generativity and self-efficacy in secondary school teachers. *Sustainability* 2020; 12(10): 3950.
21. Savickas ML. The theory and practice of career construction. In: Lent RW, Brown SD, editors. *Career development and counseling: putting theory and research to work*. Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons; 2005. p. 42-70.
22. Savickas ML. Adaptability: An integrative construct for life-span, life-space theory. *Career Dev Q* 1997; 45(3): 247-259.
23. Savickas ML, Porfeli EJ. Career adapt-ability scale: construction, reliability and measurement equivalence across 13 countries. *J Vocat Behav* 2012; 80(3): 661-673.
24. Lent RW, Brown SD. *Career development and counseling: putting theory and research to work*. Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons; 2005.
25. Coetzee M, Harry N. Emotional intelligence as a predictor of employees' career adaptability. *J Vocat Behav* 2014; 84(1): 90-97.
26. Akbarzadeh M, Abedi MR, Baghban I. Mediating Role of Career Adaptability in Relationship between Emotional Intelligence and Career Decision Making Difficulties. *Journal of Counseling Research* 2020; 18(72): 66-94. [In Persian]
27. Delavar A. *Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences*. Tehran: Roshd Publication; 2015. [In Persian]
28. Khanjani Z, Hosseini Nassab D, Sadeghi F. Relationship between Emotional Intelligence with depression and anxiety of young girls in Meshkin shahr, year 2010. *Journal of Instruction and Evaluation* 2010; 3(9): 51-69. [In Persian]
29. Salehi R, Abedi MR, Bagheban I, Nilforooshan P. Investigation on Factor structure, reliability and validity of career adaptability scale (CAAS). *Quarterly of Educational Measurement* 2014; 4(16): 49-66. [In Persian]
30. Bahrani N, Najafvand Derikvandi S, Bahrani S. The comparison of Emotional Intelligence among University Students at Dezful Medical University. *Educational Development of Judishapur* 2017; 8(2): 150-8. [In Persian]